

اثرات هجوم مغول در سیر جغرافیانویسی

دکتر عبدالرسول خیراندیش دانشیار بخش تاریخ دانشگاه شیراز
مریم غلامی خسروآبادی دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شیراز
میکائیل وحیدی دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید بهشتی تهران

چکیده

تا نیمه اول قرن دوم هجری، اغلب جغرافیانویسان را لغت‌شناسانی تشکیل می‌دادند که به ذکر انوار و فضایل تاریخی و جغرافیایی می‌پرداختند. گسترش قلمرو اسلامی و آشنایی با ملل دیگر روند "جغرافیای فضیلت شمار" را به سمت "جغرافیای توصیفی" تا هجوم مغول سوق داد. در تألیفاتی که به جغرافیای توصیفی می‌پرداختند، موضوعاتی همچون مسالک، راه‌هایی که به خانه خدا ختم می‌گردید، تعیین جهت قبله، جغرافیای طبیعی و آب و هوا توجه گردید. ترس از مغول، جغرافیای توصیفی و طبیعی را به سمت "جغرافیای تاریخی و انسانی" سوق داد. بیشتر نویسندگان این کتب ماجراجویانی بودند، که تلاش داشتند، در نژاد، مردم‌شناسی، آداب و رسوم و مذهب مغولی دقت و اکتشاف کنند تا پاسخی برای اذهان آشفته مردم و بخصوص اروپاییان پیدا کنند. به همین جهت مهم‌ترین منابع جغرافیایی این دوره را سفرنامه‌های غربی تشکیل می‌دهد. وضعیت خانقاه‌ها، صوفیان و درویشان و وضع اقتصادی مردم در این تألیفات جایگاهی ویژه می‌یابد و بدین لحاظ روند جغرافیانویسی مسلمانان از جغرافیای فضیلت شمار به سمت جغرافیای طبیعی (توصیفی) و سپس جغرافیای تاریخی - انسانی حرکت نمود.

واژگان کلیدی: جغرافیای محلی، خراسان، جغرافیای تاریخی، مغولان، جغرافیای فضیلت شمار، جغرافیای توصیفی.

تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۶

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۲۰

E-mail: arkeirandish@yahoo.com

مقدمه

در مورد روند جغرافیای‌نویسی مسلمانان، بخصوص در قرون اول تا پنجم هجری، مطالعات زیادی صورت گرفته که نمونه آن جغرافیای سرزمین‌های خلافت شرقی لسترنج است؛ این اثر شرح جغرافیای تاریخی نواحی ایران مبتنی بر کتب جغرافیایی متقدم است، اما هیچ مطالعه‌ای درباره اثرات حمله مغول بر سیر جغرافیای‌نویسی مسلمان صورت نگرفته است و پژوهش حاضر خود مقدمه‌ای برای پژوهش‌های بعدی در این زمینه خواهد بود. در این راستا لازم است توجه داشت که جهانگردی و سفرنامه نویسی در هر دوره‌ای، با انحطاط یا رشد اقتصادی-اجتماعی جوامع ارتباط مستقیم داشته است. دانش‌هایی از قبیل ریاضیات، اخترشناسی و جغرافیا که با پیشه‌ها و داد و ستد پیوند داشتند در سرزمین‌های خلافت پیشرفت شایانی کردند. در اوج اعتلای تمدن اسلامی در سده چهارم و پنجم هجری قمری، نگارش بیشترین سفرنامه‌ها و پژوهش‌های جغرافیایی به وسیله مسلمانان انجام گرفته است، ولی از حدود سده ششم و هفتم هجری قمری که دوره انحطاط جهان اسلام است، شمار جهانگردان مسلمان نیز کمتر شد، به طوری که همزمان با دوره ایلخانان (قرن هشتم هجری) آخرین سفرنامه یک جهانگرد مسلمان؛ یعنی سفرنامه ابن بطوطه در دست است و پس از وی، سفرنامه مهم دیگری به وسیله مسلمانان نوشته نشده است. بنابراین مهم‌ترین تألیفات جغرافیایی بعد از هجوم مغول را سفرنامه‌های غربی تشکیل می‌دهد.

علم جغرافیا و مسلمانان:

اصطلاح جغرافیا، عنوان آثار مارینوس صوری (۷۰-۱۳۲) و کلودیوس بطلمیوس (۹۰-۱۶۸ م.) است که در زبان عربی به "صوره الارض" ترجمه شده است. به گفته تشنر تا قبل از رواج این اصطلاح، متون جغرافیایی مسلمانان در میان علوم متعدد پراکنده بود. و به نام‌های "کتاب البلدان"، "صوره الارض"، "المسالک و الممالک"، "علم الطریق" معروف بود (تشنر، ۱۳۶۸: ۱-۲). قبل از ظهور اسلام، اعراب که اقتصادی مبتنی بر تجارت داشتند، تلاش کردند مسیرها و راه‌های تجاری را بشناسند. سرزمین اعراب، بین شرق (هند و چین) و غرب (مصر، سوریه و روم) قرار داشت. بنابراین لزوم شناخت مسیرهای تجاری مرتبط با آن سرزمین‌ها، امری اجتناب ناپذیر می‌نمود. به گفته تشنر منابع جغرافیایی پیش از فتوحات اعراب به سرزمین‌های متمدن را قرآن، سنت نبوی و شعر جاهلیت تشکیل می‌داد. نگاه مولفان جغرافیایی این دوره نگاهی متعالی به جغرافیاست. بر اساس آیات قرآن "خداست آنکه آفرید

هفت آسمان و از زمین مانند آنها فرود آید" (سوره طلاق، آیه ۱۲). و نیز آیاتی که زمین را پهنه‌ای گسترده توصیف می‌کند که کوه‌ها بر آن محکم گردیده تا آن را استوار نگه دارد. بنابراین تا این زمان آیات قرآنی و احادیث با جغرافیا و خلقت جهان ارتباط می‌یافت. ما برای معرفی جغرافیای این دوره از اصطلاح "جغرافیای فضیلت شمار" استفاده کردیم. از قرن سوم و با آشنایی مسلمانان با کشورهای متمدن، آیات و روایات فقط به منظور تأیید مذهبی جهت ترغیب مسلمانان به تحصیل جغرافیا و نجوم به کار رفت (تشنر، ۱۳۶۸: ۱۳).

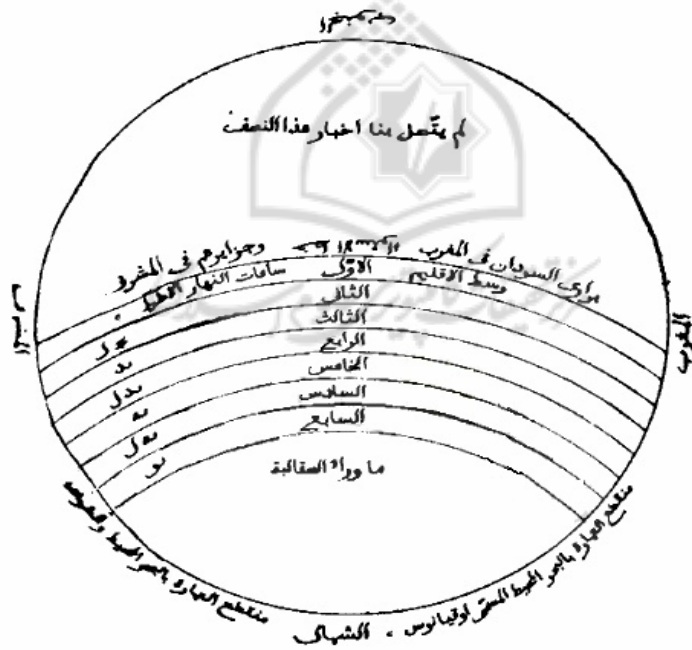
فتوحات مسلمانان، بر وسعت قلمرو اعراب و در نتیجه بر وسعت و اهمیت راه‌های تجاری افزود و آن را به صورت سرزمین واحدی درآورد. انجام فریضه حج نیز، خود دلیلی برای شناخت مسالک ممالک بود. جایگاه و اهمیت مکه و زیارت خانه خدا، بغداد را در زمان عباسیان به مرکز جاده‌ها تبدیل کرد و مسافرانی که از اقصی بلاد شرق به حجاز می‌رفتند از دجله می‌گذشتند. به همین دلیل اولین تألیفاتی که مسلمانان در موضوع جغرافیا نوشتند کتب مسالک است. ابن خردادبه، قدامه، یعقوبی، استخری و ابن رسته که در قرن سوم می‌زیستند، مؤلفین اولیه این گونه کتب هستند. کتاب‌های آنان مسافت‌ها را همراه بزرگ خراسان و دیگر راه‌هایی را که از بغداد منشعب می‌گردید منزل به منزل ثبت کرده است. سفرنامه فارسی ناصر خسرو قبادیانی بلخی (۳۸۱-۳۹۴ هـ.ق)، در قرن پنجم و نیز سفرنامه ابن جبیر عرب اسپانیایی، از جالب توجه‌ترین تألیفات سده‌های پنجم و ششم هجری است که راه‌های منتهی به مکه را شرح داده‌اند. احادیث و توصیه‌های قرآنی و همچنین کنجکاوی برخی دیگر از نویسندگان نیز از دیگر دلایل توجه نویسندگان اسلامی به علم جغرافیا بود. در واقع سیر و سیاحت در دنیا به منظور تجربه اندوزی و عبرت‌دانی در آیات قرآن و. از جمله در آیه ۱۱ سوره انعام متجلی است: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ». همچنین فتوحات اسلامی، مسائل دینی و حکومتی جدیدی را مطرح نمود که نیازمند کسب اطلاعات دقیقی از مناطق مختلف خلافت اسلامی بود. در واقع نوع تصرف هر منطقه که به صلح یا جنگ بوده، برای تعیین جزیه، باج و خراج و مالیات، مصادره زمین‌های خالصه و تقسیم غنائم، امر حیاتی محسوب می‌شد و اجرای احکام شرعی در مورد آنان نیز نیازمند کسب چنین اطلاعاتی بود. بدین ترتیب، توجه به جغرافیای طبیعی و تعیین و شناخت راه‌ها، مهم‌ترین ویژگی تألیفات جغرافیایی مسلمانان بود که به غنای علمی تألیفات جغرافیایی تا قبل از هجوم مغول افزوده بود. به عقیده شکویی نزهه المشتاق فی اختراق الافاق نوشته شریف الادریسی (متوفی ۱۱۶۶/۵۶۱) نمونه بارزی از همکاری مسلمانان و نرم‌ها در فعالیت‌های جغرافیایی است و

یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌ها در جغرافیای طبیعی و توصیفی به شمار می‌رفت (شکوئی، ۱۳۷۴: ۴۴). در ذیل چند نمونه از آثار جغرافیایی قبل از هجوم مغول معرفی گردیده است.

آثار جغرافیایی مسلمانان قبل از حمله مغول:

به عقیده دمپی یر سابقه آشنایی مسلمانان با جغرافیا را می‌توان با ترجمه کتاب بطلمیوس دانست. وی در اواسط سده دوم میلادی کتاب مبسوطی در علم جغرافیا تنظیم و با استفاده از علم ریاضی و نجوم، موقعیت جغرافیایی مکان‌های گوناگون را تعیین کرد. اقدام او برای نام بردن ۴۳۵۰ شهر معروف و بیان مشخصات و معادن موجود در دویست کوه در کنار شرح اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی مردم آن روزگار، کتاب او را به مهم‌ترین اثر جغرافیای طبیعی، انسانی اقتصادی تبدیل کرد (دمپی‌یر، ۱۳۷۱: ۷۲-۷۱). با آغاز نهضت ترجمه در بغداد، کتاب جغرافیای بطلمیوس به همراه تألیف دیگرش در هیئت - «المجسطی» - اساس جغرافیای اسلامی را تشکیل داد (همان: ۹۷). آغازگر علم جغرافیا در میان مسلمانان "هشام بن محمد کلبی" (م ۲۰۶ هـ) است که مخصوصاً به دلیل انجام تحقیقاتی در باب جزیره‌العرب جایگاه ویژه‌ای دارد. محمد بن موسی خوارزمی (حدود ۱۶۴ تا ۲۳۵ هـ) نیز با استفاده از ترجمه عربی کتاب بطلمیوس (که خود آن را به عربی ترجمه کرده بود) اثر مشهورش در جغرافیا به نام «صورة الارض» را تألیف کرد و با این کار پایه‌های علم جغرافیا را در میان مسلمانان بنیان نهاد (رنان، ۱۳۶۶: ۳۲۰). در فاصله بین دوره خلافت منصور (۱۳۶-۱۵۸) و مأمون عباسی (۱۹۸-۲۱۸)، تحول عظیمی در تفکر جغرافیایی دانشمندان مسلمان به وجود آمد؛ موضوعاتی چون کروی بودن زمین و قرار داشتن آن در مرکز عالم پذیرفته و به آیات قرآن و احادیث راجع به خلقت عالم و آسمان و زمین توجه شد، با این هدف که آثار جغرافیایی را از لحاظ مذهبی بتوانند تأیید کنند تا مسلمانان به تحصیل جغرافیا و نجوم ترغیب شوند (برای نمونه رجوع کنید به ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۷-۳؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۱۹-۱۴). به این ترتیب در دو قرن سوم و چهارم در جغرافیای اسلامی آثار علمی پایداری پدید آمد که سال‌ها راهنما و مرجع دانشمندان جغرافیا بود (دانشنامه جهان اسلام، مدخل جغرافیا). معروف‌ترین جغرافیانویس مسلمان قرن پنجم هجری، بدون شک ابوریحان بیرونی است که ابداعاتی را در زمینه جغرافیا انجام داد. وی علاوه بر اینکه در کتاب تحدید نهایات الاماکن و تصحیح مسافات المساکن به اقلیم بندی نواحی پرداخته، در کتاب تحقیق ماللهند نیز توجهی به مسایل جغرافیای انسانی داشته است. تحقیق ماللهند بیرونی (۴۰۸-۴۲۱ هـ)، به عنوان یکی از عالمانه‌ترین و غنی‌ترین تحقیقات انسانی و اجتماعی

در کنار احسن التقاسیم مقدسی که به وصف شهرها، عادات و رسوم، محصولات و صنایع و زبده خصوصیات هر اقلیم پرداخته، این کتب را بهترین تألیفات قرون وسطی کرد (تشنر، ۱۳۶۸: ۴۲). در آغاز قرن ششم فارسی‌نامه ابن بلخی، با دقت بسیار، جغرافیای آن سرزمین را توصیف کرد و در اواسط این قرن، ادیسی، کتابی به زبان عربی در جغرافیا نوشت و اقلیم‌ها را به دلخواه خود قسمت کرد. جغرافی‌دانان سده‌های مزبور، یک ناحیه را با توجه به اطلاعات بنیادی موجود و بر اساس نوشته‌های پیشین و با توجه به حرفه و شغل خود توصیف می‌کردند و توجهی به آینده و روابط انسان و مسایل مختلف جغرافیای انسانی نداشتند. در این خصوص توجه مسعودی و مالک‌بند بیرونی به جغرافیای انسانی جزو استثنائات کتب جغرافیایی این دوره است. معجم البلدان یاقوت حموی، فرهنگ جغرافیایی مفصلی در چند جلد است که در ۶۲۱ هـ / ۱۲۲۴ م. یعنی همزمان با حملات مغول به ایران پایان یافت؛ این کتاب منطبق بر سنت‌های ادبی و علمی دوره‌های پیشین و خلاصه تمام اطلاعات جغرافیایی آن دوره بشمار می‌آید. مؤلف، مشاهدات خود را در سفرهای خود بر آن افزوده است (حموی، ۱۳۸۰: ۱۷).



هفت اقلیم

نقل از مدهة کتاب معجم البلدان یاقوت حموی متوفاد در ۶۲۶ هجری

در کتاب مارث قرشی ابن العبری (متوفی ۶۸۵/۱۲۸۶ هـ ق) که دارای نقشه نیمه مدوری از جهان است، نفوذ فراوان سنت اسلامی به چشم می‌خورد. در مصر و سوریه، در عهد ایوبیان و ممالیک، کتاب‌های "خطط" پدید آمد. علاقه به کتب عجائب و مصر قدیم در عهد ایوبیان منجر به جمع‌آوری و تألیف روایات و داستان‌های شگفت‌انگیز درباره پادشاهان مصر و دیگر افسانه‌های عامه پسند گردید. اطلاعات تازه و جدیدی نیز درباره سرزمین‌های اسلامی مشرق زمین، مانند هندوستان و غیره، در این روایات یافت می‌شد (علوی، ۱۳۵۴: ۵۱-۵۰).

محتوای آثار جغرافیایی بعد از حمله مغول:

در اوایل قرن هفتم هجری، چنگیزخان موفق شد بین اقوام متعدد ساکن مغولستان واقع در مشرق آسیا، اتحاد برقرار سازد. او پس از کسب قدرت منطقه‌ای و به منظور گسترش دامنه قلمرو خود به طرف چین و سپس ایران حرکت کرد، مغولان، با عبور از خراسان و ویران نمودن شهرهای بخارا، سمرقند، جرجانیه، مرو، طوس، بلخ و ری به طرف مرکز ایران، عازم شمال و غرب شدند و به جز فارس و منطقه جنوب که در دست اتابکان سلغری بود، مابقی نقاط ایران لگدکوب اسبان آنان شد. سپاه تاتار بعد از فتح اراضی آباد آسیای باختری در زمان اوکتای قآن، پسر و جانشین چنگیزخان از طریق دشت قبیچاق و شمال دریای مازندران بر کناره‌های ولگا مسلط شدند و مسکو را آتش زده، کیف را غارت نمودند، و از شمال تا برلن و در جنوب اروپا تا سواحل آدریاتیک پیش رفتند. پیش از این با مرگ خان مغول، امپراتوری مغول بین چهار پسر چنگیزخان تقسیم شده بود. در ۶۵۱ هـ/۱۲۵۶م، هلاکو پسر تولی به حکمرانی ایران فرستاده شد. هولاکو بغداد را فتح و از آن پس حکومت ایلخانان در ایران آغاز گردید (جوینی، ۱۳۱۲/ج ۳: ۱۴).

مهم‌ترین اثر هجوم مغولان، ایجاد جغرافیای سیاسی بود که از چین تا آسیای صغیر را در بر می‌گرفت. تحت تأثیر فتوحات مغول، ملل متمدن و با فرهنگ دور از هم، به هم نزدیک شدند. به طور نمونه، دایره المعارف تاریخی رشیدالدین فضل‌الله همدانی، در چنین فضایی تدوین یافت. تا قبل از هجوم مغول، چنانکه گفته شد مسلمانان علاقه‌ای به خارج از مرزهای اسلام نداشتند. این مسأله ضعف علمی کتب جغرافیایی نسبت به نقاط ناشناخته را در بر داشت که نه تنها شامل مولفین کتب جغرافیایی مسلمان بود که اروپا را نیز شامل می‌شد. به گفته ویلتس، نبودن اطلاعات مستقیم به دست آمده و رواج مسیحیت، سبب عمده اشاعه اعتقادات افسانه آمیز قرون وسطایی اروپا راجع به اوضاع مشرق گردید.

چین و هند سرزمین‌های افسانه‌ای و سرزمین مردم بی سر که چهره در میان دو شانه داشتند، به شمار رفتند و بسیاری از مکان‌ها و مردم آنها با محتویات کتب مقدس تطبیق و در نتیجه به رواج اشتباهات جغرافیایی انجامید چنانکه هند از آفریقا و جیحون با نیل منطبق شد (ویلتس، ۱۳۵۳: ۲۶-۲۰). بنابراین عبور از تصورات شگفت‌انگیز و راهیابی به سمت حقیقت علمی از نتایج ایجاد جغرافیای سیاسی واحدی است که حملات مغولان به وجود آورده بود. پس از هجوم مغول و در جهت شناخت خصوصیات و ویژگی‌های این قوم ویرانگر بود که سرزمین‌های آسیای مرکزی و شرقی از دریای اختسک تا بحر خزر مورد توجه قرار گرفت. این سرزمین‌ها، ناحیه وسیعی از کوه و دشت و نجد و صحرا و دره‌های خرم را در بر می‌گرفت که تا قبل از هجوم مغول، جذابیتی برای مولفان جغرافی نویسی دوره میانه نداشت. خطر مغولان باعث شد تا اروپاییان به شرق توجه کنند و به حقایق دست یابند که متون گذشته را تصحیح بخشید. چنانکه به گفته ویلتس کوردینو سفیر هیتوم دوم پادشاه ایتالیا در طی اقامت در هند، همچون روبروکی درباره موجودات افسانه‌ای نوشت: "هیچ کدام از این چیزها را نتوانستم بیایم" (ویلتس، ۱۳۵۳: ۱۵۸).

تا قبل از هجوم مغول، آثار جغرافیایی، با نگاهی مذهبی، عراق به مرکزیت بغداد و یا مکه را مرکز جهان قرار داده بودند و بر این اساس به توصیف وضع جغرافیایی و شبکه راه‌های منتهی به این مسیرها اقدام نموده‌اند نمونه این دست از مولفین ابن خردادبه، یعقوبی، ابن فقیه، قدامه و مسعودی است. این مولفین مطالب مربوط به جغرافیای نجومی، ریاضی، طبیعی و انسانی را به رشته تحریر درآورده‌اند. دسته‌ای مانند اصطخری، ابن حوقل و مقدسی توجه خود را به جهان اسلام محدود ساخته و به نواحی مرزی کمتر توجه کرده‌اند. در حالی که بعد از مغول و با فروپاشی مرکز اسلام، بغداد، نگاه مذهبی مولفین جغرافیایی از مرزهای جغرافیایی برداشته شده و توجه جغرافیدانان از نواحی مرزی فراتر رفته و متوجه نواحی شدند که تحت حاکمیت مغول‌ها بود. به گفته لسترنج، بین النهرین علیا یا جزیره، که موصل، نینوی، آمد، رقه از شهرهای عمده آن بودند، از مناطقی بود که پس از حاکمیت ایلخانان به کرات در کتب جغرافیایی ذکر گردیده‌اند. این منطقه تا چون بین خلفا و امپراطوری روم مورد کشمکش بود، مؤلفان قدیم به طور تفصیل درباره آن سخن نگفته بودند (لسترنج، ۱۳۳۷: ۴). آسیای صغیر نیز از جمله نواحی به شمار می‌آید که در کتب جغرافیایی تا قبل از حمله مغول چندان پرداخته نشده است. به گفته مستوفی از زمانی که ایلخانان در قرن هشتم، حکام خود را برای حفظ نظم و آرامش به آن سرزمین فرستادند، مورد توجه قرار گرفت (مستوفی، ۱۳۱۱: ۱۱۴). به عقیده مشکور، اولین شرح کاملی

که درباره آسیای صغیر به دست آمده، نوشته حاجی خلیفه است که در آغاز قرن یازدهم هجری؛ یعنی دویست سال بعد از الحاق آن سرزمین به امپراتوری عثمانی نوشته شده است (مشکور، ۱۳۵۰: ۴۹).

پس از انقراض خلافت عباسی و انتقال حاکمیت سیاسی به ایران و با از بین رفتن خراسان بزرگ طی حمله مغول، جاده‌های تجاری-سیاسی، به سمت شیراز و آذربایجان و سلطانیه تغییر یافت و توجه مولفین کتب جغرافیایی از این زمان به بعد، از بغداد، به سوی نواحی داخلی ایران معطوف گردید در حالی که مولفین کتب جغرافیایی قرن سوم و چهارم مطالب خود را با توصیف عراق شروع می‌کردند مولفین کتب جغرافیایی، بعد از حمله مغول، به وصف شهرهای عراق به عنوان جزوی از قلمرو ایلخانان نگاه کرده‌اند دقت در این گزارشات نشان دهنده وضع اسفناک عراق پس از هجوم مغول است به نحوی که اکثر شهرهای این ناحیه ویران گزارش شده است. مانند نعمانیه، قم الصلح، واسط، قادسیه (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۴۱۴؛ مستوفی، ۱۳۱۱: ۱۴۰-۱۳۳). ابله از شهرهای با اهمیت عراق که ناصر خسرو آن را "شهری آبادان با قصرها و بازارها و مساجد" معرفی کرده، (ناصر خسرو، ۱۳۴۱: ۹۸) قزوینی از نقاط خراب عراق (قزوینی، ۱۳۷۳: ۱۹۸). و ابن بطوطه یک قرن پس از قزوینی، این شهر را فقط یک قریه معرفی کرده است (ابن بطوطه: ۱۳۳۷: ۵۲). از سوی دیگر چنانکه گفته شد با حمله مغول و تشکیل حکومت ایلخانان در ایران، توجه از عراق به سمت ایالت‌های داخلی ایران معطوف شد. در کتب جغرافیایی قبل از مغول، به ایالت کوهستانی آذربایجان و نیز ایالت‌های شمالی ایران، توجه اندکی شده بود. آذربایجان، در زمان قدیم از شاهراه بزرگ خراسان که از ایالت جبال (ماد) می‌گذشت بر کنار افتاده بود و این برکناری از این جهت تشدید شده بود که بنا به قول مقدسی، در کوه ها و جلگه‌های مرتفع آن بیش از هفتاد زبان و لهجه مختلف تکلم می‌شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۲۳). در حالی که هیچ کدام از شهرهای آن ناحیه وسعت قابل توجهی نداشت. حمدالله مستوفی می‌نویسد تبریز از جمله شهرهای این ولایت است که در عهد هجوم مغول اهمیت یافت: "کثرت خلایق در آنجا جمع شدند و بیرون شهر عمارات و باغات و دهات و ولیان و سنجاران داخل آن بارو بود" (مستوفی، ۱۳۱۱: ۲۰۵). به گفته لسترنج، ایالت‌های اران و شیروان و گرجستان و ارمنستان در شمال ارس، که اکثریت جمعیت آن تا اواخر قرون وسطی بر مسیحیت بود، بعد از هجوم مغول و تیمور (اواخر قرن هشتم) به گرجستان مورد توجه قرار گرفت (لیسترنج، ۱۳۳۷: ۱۹۰).

الف: تألیفات مسلمانان:

اکثر کتب جغرافیایی این عهد، به زبان فارسی و در شرح جغرافیای شهرهای ایران نگاشته شده است و لذا سهم ایرانیان در تألیف جغرافیای جهان اسلام کاهش یافت. توجه به جغرافیای محلی قبل از حمله مغول آغاز شده بود؛ فارسنامه ابن بلخی (اوایل قرن ششم) نمونه این نوع تألیف است که زرکوب شیرازی (مقارن قرن هشتم) در شیرازنامه و حمدالله مستوفی در نزهت القلوب مطالب بسیاری از آن اخذ کرده‌اند (ابن بلخی، ۱۳۷۴: مقدمه: ۱۹). این روند بعد از حمله مغول شتاب بیشتری گرفت. به گفته ویلتس، آمدن مغولان به اعتلای زبان فارسی به عنوان زبان رسمی سیاسی انجامید. این زبان به اروپا و چین و هند راه یافت. سفیران پاپ مانند آسلینوس و آندره لونگر و مویی همه فارسی می‌دانستند و کشیشان دومینیکی و فرانسیسی برای پیش بردن و اشاعه مرام و ایمان خویش در کشورهای مشرق و حتی در چین به فارسی متوسل می‌شدند (ویلتس، ۱۳۵۳: ۶). ورود کلمات پارسی و مغولی به کتب جغرافیایی از آثار حاکمیت مغولان است. حمدالله مستوفی نزهت القلوب را به سال ۷۴۰ هجری، به زبان پارسی تألیف کرد و یادداشت‌های تاریخی و اقتصادی در شرح شهرهای ایران قبل و بعد از هجوم مغول در آن نگاشت. دقت در خصوصیات و ویژگی‌های هر محل در این اثر پیداست. وجه تسمیه نواحی و ذکر شماری از واژگان مغولی به جای اسامی پارسی، مانند آقا، ایل، ایلغار کوچ و غیره، دلیلی بر توجه مولف به جغرافیای محلی و تاریخی است؛ به عنوان مثال وی در مورد شهر مراغه می‌نویسد: شهر مراغه در هفتاد میلی جنوب تبریز، مختصر شده "قریه المراغه" به معنی قریه چراگاه است. گویند سابقاً ایرانیان آنرا "افرازهرود" می‌گفتند. در قرن چهارم، این شهر، مهم‌ترین شهر آذربایجان بوده است. که پس از مغول، کرسی آذربایجان شد (مستوفی، ۱۳۱۱: ۱۵۸-۱۵۵، ۲۰۵-۲۰۴). وی همچنین در مورد سفید رود می‌نویسد: سفید رود (یا سپید رود)، که تمام نواحی خاوری آذربایجان را سیراب می‌کند "هولان مولان" (اولان موران) در زبان مغول به معنای رودخانه سرخ است (همان: ۲۱۷-۲۰۵). اکنون نیز یک قسمت از سفید رود معروف به "قزل اوزن" است که آن هم در ترکی به معنی رودخانه سرخ می‌باشد.

مورخ و جغرافی‌دان این عهد، بیشتر توجه خود را به ولایات داخلی ایران، زندگی مردم، اوضاع اجتماعی و احوال درونی شهرها، نحوه معیشت، محصولات معروف شهر و آب و هوا و تطبیق انسان با محیط طبیعی معطوف داشته است. چنانکه قزوینی در کنار توجه به جغرافیای کره زمین و واردات و صادرات و محصول بلاد و ممالک مختلف، (قزوینی، ۱۳۷۳: ۱۱) محل جغرافیایی ناحیه مورد نظر را به

طور مستقل و بر اساس نواحی نزدیک به آن ذکر می‌کند؛ این روند ناشی از اهمیتی است که مؤلف برای جغرافیای محلی قائل است؛ در حالی که سابقاً جغرافی نویسان، هر ناحیه را بر اساس فاصله آن تا قبله - مکه - و پایتخت - بغداد - بررسی می‌کردند؛ به طور مثال، در مورد اهواز می‌نویسد: اهواز میان بصره و فارس است (همان جا). در حالی که در قرون اولیه، دانستن طول و عرض جغرافیایی شهرها تا مکه امری ضروری بود و چون پیشینیان انجام داده بودند، اینک نیازی به پرداختن به این موضوع با توجه به سقوط خلافت عربی و انتقال مرکزیت سیاسی از بغداد به آذربایجان ایران، احساس نمی‌شد. در واقع سقوط بغداد و نیز علاقه مغولان به تاریخ نگاری، شتاب بیشتری به نگاشتن جغرافیای محلی داده است. به نحوی که در فاصله قرن هفتم/ سیزدهم تا قرن دهم/ شانزدهم مقدار زیادی کتب جغرافیای محلی یا ملی، به عربی و فارسی، توسط جغرافیدانان مورخ تألیف گردید.

با دقت در کتب مسالک و ممالک مربوط به سده های سوم و چهارم هجری، مشاهده می‌شود که قبل از حمله مغول، جغرافیا بیشتر علمی توصیفی - کاربردی و هدف از آن، شناخت راه های مذهبی (مکه)، سیاسی (بغداد) و اقتصادی (راه های تجاری) بود. در حالی که پس از هجوم مغول، جغرافیا به صورت علمی توصیفی، همزمان با رشد تألیفات محلی، به سمت جغرافیای تاریخی حرکت نمود. به نحوی که مفهوم جغرافیای تاریخی که اندکی قبل از هجوم مغول آغاز شده بود، بتدریج و با آغاز قرن نوزدهم، و طی آشنایی جغرافی دانان با تاریخ و اقتصاد، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، به سمت جغرافیای تاریخی حرکت کرد. تذکره جغرافیایی بارتولد، که اثری تحقیقی و جدید به شمار می‌آید و در آن مفهوم گذشت زمان و تاریخ بر نواحی و شهرها قابل مشاهده است نمونه یک جغرافیای تاریخی است.

در گذشته و قبل از حمله مغول، جغرافیا معنایی در حد چشم‌انداز مورخ یا جغرافیدان یا سفرنامه‌نویس داشته است. مولف هر چه را که دیده است نگاشته بدون آنکه توجهی تحلیلی به مسائل داشته باشد. توجه به ترکیب نژادی و جمعیتی و مسکن و مهاجرت اقوام به ولایات مختلف از مقوله‌هایی است که تا قبل از حمله مغول، یا به آن توجه نشده و یا بسیار کم اشاره گردیده است. واژه‌ها و مفاهیم فرهنگی و اجتماعی چون نژاد، زبان و خط، آداب و رسوم، اخلاق و عادات، عیدها و جشن‌ها، باورها، ضرب المثل‌ها، مراسم عروسی، نامگذاری ولایات، خاندان‌های برجسته، شعر و موسیقی، طلاق، پوشاک، کشاورزی، خاک و زمین، مالکیت، دامداری، نحوه معیشت، شیلات و صنایع، مفاهیمی غریب و بیگانه و یا کمرنگ در کتب جغرافیایی دوره میانه تا قبل از حملات مغول است و توجه به این موضوعات پس از حمله مغول نشان دهنده حرکت جغرافیانویسی از دقت در موضوعات طبیعی به سمت موضوعات انسانی است. نمونه این آثار، که به جغرافیای انسانی توجه کرده است "تحفه النظار" ابن بطوطه (متوفی

است که مولف آن را به زبان عربی درباره سرزمین‌های هندوستان، آسیای جنوب شرقی و دیگر کشورهای آسیا و آفریقای شمالی نگاشت. این اثر، حاوی با ارزش‌ترین اطلاعات تاریخی، خاصه تاریخ فرهنگی و اجتماعی مسلمانان در این سده است. این کتاب تاریخ نهادهای آموزشی، علمی، دینی و فرهنگی موجود و دایر در محدوده میان بین‌النهرین تا ماوراءالنهر است. ابن بطوطه، ادیب و جغرافی‌دان بود و در نتیجه به مسائل جغرافیایی توجه کافی نکرد. وی با دقت و صحت، توجهی خاص به جوانب مختلف زندگی اجتماعی مردم داشته است. این اثر، راهنمای اماکن مذهبی و زیارتی و اثری مناسب درباره مشایخ و قضات و خطیبان و عالمان عصر و تصویری روشن از احوال اجتماعی برخی از گروهها مانند متصوفه و اهل فتوت است (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۴۱۴).

بعد از مغول همچنین توجه به کیهان‌شناسی، نظام گیتی، نجوم و امثال آن به مانند گذشته ادامه داشت. مطالب بدون هیچگونه نظر انتقادی، کنجکاوانه و پژوهشی نگریسته شده است و از شوق و ذوق حقیقت‌جویی در آنها خبری نیست. بنابراین جغرافیا صرفاً یک علم توصیفی و یا هنر توصیفی بود و نه علمی تحلیلی. انحطاطی که از اواخر قرن پنجم شروع شده و مغول‌ها تکمیل کننده آن بودند. تقویم البلدان نوشته ابوالفدا، از امرای شام، جغرافیای منظمی درباره جهان است که به سال ۷۲۱هـ. / ۱۳۲۱م. به رشته تحریر درآمد. و شامل مسایل مربوط به جغرافیای توصیفی، نجومی و انسانی است. قسمت عمده کتاب وی از کتب دیگر مأخوذ گردیده ولی از دیده‌ها و شنیده‌ها در سفرهای خود نیز مطالبی بدان افزوده است.

ب: تألیفات اروپاییان:

پس از درگذشت چنگیزخان (۶۲۴ هـ ق.) و جانشینی اوکتای به عنوان خان بزرگ، مغولان در مدت زمان کوتاهی توانستند روسیه را بگشایند، و به سوی لهستان و مجارستان تاخته و در سال ۶۳۹هـ. ق تا نزدیکی شهر وین پیشروی کنند، ولی خبر درگذشت اوکتای سران مغول را به بازگشت مجبور ساخت. پس از بازگشت قوای مغول از اروپا، پاپ و شاهان اروپایی که از پیشرفت برق آسای مغولان بسیار مضطرب شده بودند، درصدد برآمدند که از طریق سیاسی و دیپلماسی مانع یورش دوباره مغولان به اروپا شوند و به همین جهت، به عقیده ساندرز هیأت‌هایی را از سوی کلیسای کاتولیک رم به امپراتوری مغول به قصد تحقق اهداف زیر اعزام داشتند: توقف هجوم مغول به اروپا، اتحاد با مغولان به

منظور برانداختن سلسله مملوکان در مصر، دعوت مغولان به قبول مسیحیت و ایجاد روابط بازرگانی میان خاور و باختر (ساندرز، ۱۳۶۱: ۳۹۲).

مبلغان مسیحی نخستین مسافرانی بودند که پس از یورش مغول، راهی خاور زمین شدند، اما پس از مدتی بازرگانان نیز وضعیت را برای سفر مساعد دیدند. به همین دلیل با وجودی که راه‌ها، آثار عظیم معماری، قصرها، قلعه‌ها، برج‌ها و باروها، مدرسه‌ها و کاروانسراها، حمام‌ها و مساجد مورد تحسین قرار گرفته، اما بیشتر به ذکر اوضاع تجاری و اقتصادی پرداختند. اینک اشاره‌ای کوتاه به چند سفرنامه این دوره می‌شود:

ژان پلان کارپن کشیش، در سال ۱۲۴۵ از لیون حرکت کرد و در مراسم گزینش گیوک به خانی حضور داشت. وی با دقتی ویژه، مسیر سفر و وضعیت دربار مغول را شرح داده است (ژان پلان کارپن، ۱۳۶۳: ۱۰۹-۸۷). وی نخستین فرد اروپایی بود که توانست تا مرکز مغولستان پیش رفته، از وضع جغرافیایی و اجتماعی آنجا آگاه گردد. کارپن در بخش اول کتاب خود می‌نویسد: "خواست ما نوشتن تاریخ تاتارهاست" (همان: ۲۹-۱۲۴). وی با توجه به این دیدگاه، مطالب خود را با بیان موقعیت کشور مغول، منابع و شرایط آب و هوایی آغاز کرد. سپس درباره وضعیت ظاهری و معیشت و آیین‌های رایج در میان مغولان، آداب و رسوم آنان سخن گفته و ویژگی‌های مغولان را با دقت نظر ویژه‌ای توصیف کرده است (همان: ۸۶-۲۹).

در زمان سلطنت منگوقاآن کشیشی از پیروان فرقه فرنسیسکن به نام گیوم روبروکی سفر خود را به مغولستان آغاز کرد (۶۵۳-۶۵۱ هـ. ق. / ۱۲۵۵-۱۲۵۳ م.). به گفته گروسه وی در مطالعات جغرافیایی و مردم‌شناسی، مسیر درست رودخانه‌های دن و ولگا را یافت و وصف دقیقی از مذاهب‌ها و آداب و رسوم مردم بخصوص نسطوریان ارایه داد (رنه گروسه، ۱۳۵۳: ۴۵۸). به نوشته ویلتس، روبروکی برای گردآوری اطلاعات جغرافیایی و انسان‌شناسی رنج فراوان برد. گزارش او یکی از مهم‌ترین منابع جغرافیایی طبیعی آسیای میانه بود (ویلتس، ۱۳۵۳: ۱۲۳). هر چند که روبروکی و کارپن درباره ایران مختصر نوشته‌اند، ولی به عقیده همایون آنان یگانه کسانی هستند که از ایران در نیمه اول سده سیزدهم میلادی (سده هفتم هجری) گزارش داده‌اند (همایون، ۱۳۴۸: ۲۱). گابریل نیز متذکر می‌شود که اودریک پوردنون راهبی از فرقه فرنسیسکن‌هاست که از زادگاه خود پوردنون برای سرکشی به دیرهای این فرقه به آسیا سفر کرده و اطلاعات غرب را درباره امپراتوری ایلخانان گسترش داده است (گابریل، ۱۳۴۸: ۶۶-۶۵).

مسافران اروپایی که ذکرشان گذشت، در واقع پیشگامان روابط سیاسی با مغولان بودند. پس از سفر اودریک، اروپاییان از سیاست جنگی در شرق دست برداشتند. به نظر بیانی از یک سو در صد برآمدند تا دولت‌های مسلمان را به جان هم بیندازند و خود بهره گیرند. از سوی دیگر در صد ایجاد روابط بازرگانی و در دست گرفتن راه‌های آبی و خشکی در ماورای مدیترانه برآمدند (بیانی، ۱۳۷۵: ۱۰۳۶-۳۵). تشکیل امپراتوری پهناور مغول از آسیای شرقی تا حدود سوریه، بین النهرین، روسیه و اروپای شرقی، موجب از بین رفتن موانع و محدودیت‌های محلی و نزدیک کردن ملل مختلف به یکدیگر گردید. از همین دوره بود که سیاحان و سوداگرانی نظیر مارکوپولو برای آگاهی از اوضاع و احوال شرق افسانه‌ای و دست یافتن به ثروت این نواحی و اشاعه آیین مسیح از راه اروپا و ایران به شرق آسیا رفتند و در مقابل سفرا و نمایندگان از طرف حکمرانان مغول به کشورهای مختلف اروپا گسیل گردید. در این دوره بازرگانی بین شرق و غرب در سطح وسیعی توسعه یافت. مستوفی به احداث شبکه راه‌ها توسط مغولان اشاره کرده است (مستوفی، ۱۳۱۱: ۲۱۷). رفتار خوب هولاکو و جانشینانش با خارجیان و بویژه مسیحیان باعث شد که سیاح معروف قرن هفتم هجری مارکوپولو با پدر و عموی خود در سال ۶۹۹ هجری هنگام سفر به چین از ایران بازدید کند. سفرنامه وی، حاصل مشاهدات عینی اوست. با این سفرنامه بود که غربیان از مردم متمدن شرق آگاه شدند. وی به دلیل تاجر بودن به مسایل مربوط به تجارت و بازرگانی توجه بیشتری کرده است. مارکوپولو در هر نقطه شرایط جغرافیایی، وضعیت ثروت‌های طبیعی، راه‌ها، خلق و خوی مردم، آداب و سنن و ... را شرح داده است (مارکوپولو، ۱۳۷۱: ۱۴-۱۳). چنانکه مشاهده می‌شود در سفرنامه‌های این عهد، توجه بیشتری به جغرافیای انسانی نسبت به جغرافیای طبیعی شده است. ضمن اینکه تاجر پیشه بودن اغلب جهانگردان، باعث گردیده بود که در تألیف کتب جغرافیایی، بیشتر به اوضاع تجاری و اقتصادی توجه گردد.

نتیجه

تا قبل از هجوم مغول، اولین دسته کتبی که اعراب در موضوع جغرافیا نوشته‌اند به شکل کتب مسالک است. در طلیعه این گونه کتب ابن خردادبه، قدامه، یعقوبی و ابن رسته جای دارند. بغداد مرکز جاده‌ها بود. جاده بزرگ خراسان، بغداد- را به شهرهای ماوراء النهر و سرانجام چین متصل می‌ساخت. در واقع جغرافیا در این زمان علمی توصیفی - کاربردی است، اما در همان حال، توجه به سازگاری انسان با طبیعت وجه غالب دیدگاه همه جغرافی‌نویسان اسلامی است. بعد از هجوم مغول به جهان

اسلام و بخصوص ایران، آذربایجان و شهرهای آن چون تبریز و مراغه، اهمیت زیادی یافتند. سقوط خلافت عباسی، و مشخص شدن مسالک و راه‌ها در دوره‌های قبل، جغرافی‌دان دوره مغول را از توجه به راه‌ها و تعیین قبله بی‌نیاز ساخت. به دلیل تشکیل دولت‌های اسلامی در ایران، جغرافی‌دانان بیشتر توجه خود را به نوشتن جغرافیای محلی معطوف ساختند. بعد از حمله مغول، همراه با تألیف کتب تاریخی که مغولان راغب آن بودند، جغرافیای محلی همچنان مورد توجه قرار گرفت. گسترش تجارت در دوره ایلخانان و نیز تساهل مذهبی در این عهد، مؤلفان کتب جغرافیای تاریخی را به سمت توجه به جغرافیای اقتصادی سوق داد. سرعت عمل مغولان در فتح سرزمین‌های متمدن همسایه، باعث ایجاد رعب و وحشت جهان اسلام و اروپاییان شد به طوری که تصور کردند مغولان از جهنم خروج کرده‌اند. بدین سبب مؤلفین کتب جغرافیایی این دوره، در جهت شناسایی این قوم تلاش زیادی کرده و هر آنچه در مورد این قوم از قبیل نژاد، مذهب و آداب و رسوم و غیره دیده‌اند به رشته تحریر درآورده‌اند. لذا در این دوره، جغرافیای تاریخی، رنگ اجتماعی و مردم‌شناسی بخود می‌گیرد. در واقع می‌توان چنین استنباط کرد که بعد از حمله مغول، گسترش و یکدستی قلمرو از غرب تا شرق ذیل حاکمیت مغولان و فرو ریختن هاله تقدس پیرامون خلافت، بر تنوع و افزایش موضوعات و مفاهیم جهت مشاهده و اندیشیدن افزوده است. به نحوی که در زمینه مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی مغولان آن، هیچ وسیله‌ای بهتر از نقشه‌ها و تصاویری که در آثار و کتب آن زمان نگاشته شده است مانند نقاشی‌های جامع التواریخ و منابع چینی و نیز شرح و توصیف جهانگردان و مسافران نیست. با توجه به آثار به جا مانده از این جهانگردان، اروپا نه تنها از جامعه و فرهنگ مغول اطلاعات منحصر به فردی حاصل کرد، بلکه گنجینه‌ای شایگان از اطلاعات جغرافیایی و انسان‌شناسی درباره آسیا در نوشته‌های ایشان به دست آورد و اروپاییان با جهانی آشنا شدند که تا آن هنگام برای آنان یا به کلی ناشناخته بود یا فرو رفته در اساطیر و افسانه‌های شگفت.

یادداشت‌ها:

- ۱- به نوشته لسترنج، مسلمانان، پادشاهی ساسانی (بین‌النهرین و ایران) و روم را فتح کرده و اصول آنان را در اداره کردن قلمرو پهناور اسلام به کار گرفتند. این سرزمین پهناور از طرف خاور به صحاری آسیای مرکزی و کوه‌های افغانستان و از سمت باختر به امپراطوری روم شرقی، محدود می‌گردید (لسترنج، ۱۳۳۷: ۴).
- ۲- ترجمه آیه: « بگو در روی زمین بگردید و بنگرید که پایان کار تکذیب کنندگان چگونه بوده است». ترجمه فولادوند.

۳- فرنیسیسکن، یکی از فرقه های مذهب کاتولیک، مؤسس این فرقه سن فرانسوا داسیز ایتالیایی است. سن فرانسوا در سال ۱۲۰۸ به تأسیس این فرقه اقدام نمود.

منابع

- ابن فقیه (۱۳۴۹) *مختصر البلدان*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن بطوطه (۱۳۳۷) *سفرنامه ابن بطوطه*، محمد بن عبدالله، جلد ۱. مترجم: محمد علی موحد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن بلخی (۱۳۷۴) *فارسانامه ابن بلخی*. تصحیح: لسترنج. شیراز: بنیاد فارس شناسی، ابن بی بی (۱۳۵۰) *اخبار سلاجقه روم*. مترجم: محمدجواد مشکور. شیراز: محمدی.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (۱۹۶۶) *صوره الارض*. تصحیح: دخویه. لیدن: بریل.
- اصطخری، ابواسحاق. ابراهیم (۱۳۴۷) *مسالك و الممالک*. اهتمام: ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- جوینی، علاء الدین عطا ملک بن بهاء الدین محمد (۱۳۱۲) *سده ۶۵۸ تاریخ جهانگشایی*. جلد ۱. تهران: مجلس.
- قبادیانی. ناصر خسرو (۱۳۴۱) *سفرنامه ناصر خسرو*. تهران: محمودی.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۳) *آثار البلاد و اخبار العباد*. تصحیح: میرهاشم محدث. ترجمه جهانگیر میرزا قائم مقام. تهران: امیر کبیر.
- کارپن، ژان پلان (۱۳۶۳) *سفرنامه کارپن*. ترجمه ولی الله شادان. تهران: یساولی.
- مارکوپولو (۱۳۷۱) *سفرنامه مارکوپولو*. ترجمه منصور سجادی. تهران: بوعلی.
- مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۱۱) *نزهت القلوب*. بمبئی: میرزا محمد شیرازی.
- مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱) *احسن التقاسیم فی معرفه القالیم*. مترجم: علی نقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- یاقوت، حموی بغدادی (۱۳۸۰) *معجم البلدان*. جلد ۱ و جلد ۴. ترجمه: دکتر علینقی منزوی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- یزدی، شرف الدین علی (بی تا) *ظفرنامه*. اهتمام: عصام الدین اورنبايوف. بی جا: انتشارات فن.

ماخذ

بیانی. شیرین (۱۳۷۵) *دین و دولت در ایران عهد مغول*. جلد ۳. تهران: نشر دانشگاه.

- تشنر، احمد (بی تا) *تاریخچه جغرافیا در تمدن اسلامی*. ترجمه محمد حسن گنجی. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- همایون، غلامعلی (۱۳۴۸) *اسناد مصور اروپاییان از ایران*. جلد ۱. تهران: انتشارات دانشگاه.
- ویلتس، دو راکه (۱۳۵۳) *سفیران پاپ به دربار خانان مغول*. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- دمپی یر (۱۳۷۱) *تاریخ علم*. مترجم: عبدالحسین آذرنگ. تهران: انتشارات سمت.
- دنسکو (۱۳۵۷) *تاریخ سده‌های میانه*. مترجم: رحیم رئیس نیا. تهران: پیام.
- رنان، کالین (۱۳۶۶) *تاریخ علم کمبریج*. ترجمه: حسن افشار. تهران: نشر مرکز.
- رنه گروسه (۱۳۵۳) *امپراتوری صحرائنوردان*. مترجم: عبدالحسین میکده. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ساندرز (۱۳۶۱) *تاریخ فتوحات مغول*. مترجم: ابوالقاسم حالت. تهران: امیرکبیر.
- شکوئی، حسین (۱۳۴۷) *جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۴۷) *جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران، آذربایجان از نظر جهانگردان*. انتشارات شورای مرکزی.
- علوی، محمود (۱۳۵۴) *مجموعه سخنرانی‌های نخستین سمینار مسائل جغرافیای ناحیه‌ای ایران*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- قربانی، زین العابدین (بی تا) *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. بی جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- گابریل، آلفونس (۱۳۴۸) *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران*. ترجمه: فتحعلی خواجه نوری. تصحیح: هومن خواجه نوری. تهران: ابن سینا.
- لیسترنج، گی (۱۳۳۷) *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه: محمود عرفان. تهران: ترجمه و نشر کتاب.